



یادی از استاد حسین نوربخش

محقق و خلیج فارس شناس

احمد حبیبی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

اشاره

یک ساحل گسترده‌ی خاموش نیست که به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی خود فقط تنفسگاه اقتصادی و راه ارتباط با اقیانوس هند و قاره‌های دیگر باشد و صرفاً از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی به آن نظر افکند، بلکه در خلیج فارس فرهنگ، هنر و تمدن نیز از زمین و آسمان می‌جوشد و عرصه‌ی خلاقیت‌های هنری و آفرینش‌های علمی - فرهنگی‌اش محدودتر از گستره‌ی اقیانوس‌ها و دریاها نیست.

در کناره‌های خلیج نیلگون فارس، آن‌جا که هُرم آفتاب با ذره ذره‌ی خاک انسی مخصوص گرفته و عجین شده است، در طول قرن‌ها و سالیان دور و دراز، بندر و بندرگاه‌هایی آرمیده‌اند که تاجران، بازرگانان و پیشه‌وران این سو و آن سوی خلیج فارس،

جامعه‌ی علمی کشور در بهمن ماه ۱۳۸۷ یکی از چهره‌های پرتلاش خود را از دست داد. در این ماه، حسین نوربخش، محقق پرتلاش مطالعات خلیج فارس، رخ در نقاب خاک کشید. در این نوشته که به کوشش استاد احمد حبیبی، محقق پرآوازه‌ی جنوب کشور فراهم آمده است، به صورتی خلاصه با گوشه‌هایی از زندگی علمی مرحوم نوربخش آشنا می‌شوید. روحش شاد باد!

در کرانه‌های سخاوتمند خلیج همیشه فارس که خورشیدش با زمین، پیوندی تنگاتنگ دارد، فرهنگ و هنر را جایگاهی خاص و هنرمند را مقامی ممتاز است. باید اذعان داشت که این‌جا، تنها





از آثار استاد نوربخش تاکنون ۲۴ جلد کتاب به زیور طبع آرایش یافته‌اند که ۱۵ جلد آن‌ها منحصرأً به تحقیقات خلیج‌فارس‌شناسی مربوط است

از آن‌ها خاطرات خوش و شیرین و فراموش ناشدنی به یادگار دارند.

بندر لنگه در ساحل خلیج‌فارس که در دوران هخامنشیان به بندر «گوگانا» معروف بوده، یکی از بندرهای تاریخی است که هرگاه نام مروارید بر زبان بیاید، ناخودآگاه واژه‌ی بندر مروارید یعنی لنگه، تداعی می‌شود.

جزیره‌ی کیش در دل این آب‌های گرم و جزیره‌ی بستک در پس کرانه‌های خلیج‌فارس نیز دو نقطه‌ی باستانی - تاریخی‌اند که با معرفی بهینه و مطلوبشان در ابعاد مفاخر و مشاهیر، فرهنگ مردم و فولکلور، آثار تاریخی و بناهای فرهنگی، معماری سنتی و واژگان آن، در واقع به شناساندن تمدن و فرهنگ خلیج‌فارس مبادرت ورزیده‌ایم.

گروهی از وقایع‌نگاران و تاریخ‌نویسان محلی به نقل از اهالی بومی، بندر لنگه را شهر بادگیرهای خلیج‌فارس نام نهاده‌اند. البته این نام‌گذاری سخنی به گزاف نیست، چرا که بادگیرهای بندر لنگه و اطراف و اکنافش، جالب و دیدنی هستند و برای هر جهانگرد و تازه‌واردی، زبانی گویا و بازگو‌کننده‌ی خاطراتی از گذشته‌های دور و نزدیک بشمار می‌آید. هنوز که هنوز است، در جای جای بندر لنگه و در کوچه پس کوچه‌هایش، بادگیری‌های بلند بر فراز خانه‌هایی بزرگ با درهای چوبی قدیمی و دالان‌های تودرتو، با گچ‌بری‌ها و منبت کاری‌های خاص معماری سنتی جنوب، حضور مردمی هنر دوست و هنرپرور را در اذهان تداعی می‌کنند. گذشته‌ی بندر لنگه، پررونق، پرجمعیت و شلوغ و پربایاب و ذهاب بوده است که متأسفانه عوامل عدیده‌ی چندی در رکود آن دخالت داشته‌اند. مهم‌ترین این عوامل کشف حجاب دوره‌ی رضاخانی است که به مهاجرت دسته‌جمعی اهالی به آن سوی خلیج‌فارس انجامید.

در بیان انزجار و نفرت مردم سواحل خلیج‌فارس از کشف حجاب، می‌توان به دویستی زیر استنباط کرد که شیخ احمد شیخ عبدالرحمن (معروف به زال دهنگی) سرود و خود نیز فرار را بر قرار ترجیح داد:

چه سازم، تاب جور کافریم نیست

کلاه پهلوی باب سرم نیست

اگر این پاتلون باشد لباسم

شفاعت‌خواه روز محشرم نیست

در این جا شاعر، موافقت کردن با کشف حجاب و پوشیدن کلاه و پاتلون (پاتلون: شلوار) را برابر با خراب کردن دنیا و آخرت خویش می‌داند (حَسْرَ الدُّنْیَا وِ الْآخِرَه).

عمق درد و فشارهای حاکم بر جامعه‌ی آن روز را می‌توان از شعر، قصه، داستان، مثل، مثل و باورهای رایج و خلاصه در فولکلور و فرهنگ مردم به خوبی درک کرد.

* * *

هنگامی که می‌خواهیم درباره‌ی تاریخ، تمدن، فرهنگ و اهل علم و دانش و قلم گفت‌وگو کنیم، باید اذعان داریم:

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

آری، این که استاد حسین نوربخش در سال ۱۳۵۱ با شروع خدمتش در فرمانداری شهرستان بندر لنگه، به فکر نوشتن کتاب ارزشمند «بندر لنگه در ساحل خلیج‌فارس» افتاد، حسب حالش اشتیاق و عشق و علاقه‌ای است که از آن روزگاران در وجودش به ودیعت نهاده شده بود:

آری آن ساعت که این نظم به سامان می‌نوشت

طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود

مقدمه‌ی کتاب را از زبان خود استاد می‌خوانیم:

«روزهای اول خدمتم یعنی اوایل سال ۱۳۵۱ خورشیدی که وارد لنگه شدم، چون خانه‌ای برای محل سکونت بخشدار وجود نداشت، در یکی از اتاق‌های فرمانداری اقامت کردم که در طبقه‌ی دوم شهرداری بود.

در یک روز تعطیل، از عبدالله، خدمتگزار شهرداری، خواستم برود بازار و چند تا خیار برایم بخرد. ساعتی نگذشت که عبدالله از بازار برگشت. برای رسیدن به طبقه‌ی دوم شهرداری و ساختمان فرمانداری، باید از یک رشته پله بالا آمد. از دور دیدم که عبدالله یک صندوق چوبی بزرگ روی دوش گرفته است، به زحمت از پله‌ها بالا می‌آید و عرق از سر و رویش می‌ریزد. هوا مثل همیشه گرم بود و نفس به زحمت بیرون می‌آمد. عبدالله به طبقه‌ی دوم رسید، رفتم جلو با تعجب گفتم: مگه چند تا خیار خریدهای؟ عبدالله که زیربار خسته شده بود گفت: چهارتا.

در حالی که کمک می‌کردم جعبه را روی زمین بگذارد، شگفت‌زده گفتم: چهار تا خیار که آن‌قدر سنگین نیست و احتیاج

به جعبه ندارد؟! عبدالله ساکت ایستاده بود و لابد توی دلش به من بد و بیراه می‌گفت. پوشال روی جعبه را کنار زدم و یک مرتبه چشمم به چهار عدد خربزه‌ی درشت افتاد. با ناراحتی گفتم: ای بابا! این‌ها که خربزه است، من گفتم خیار بخر. متعاقب آن به چهره‌ی آفتاب سوخته و خسته و عرق کرده‌ی عبدالله نگریستم. عبدالله خیره به من نگاه کرد و گفت: منم خیار خریده‌ام، اینا خیاره دیگه.

آن وقت یکمرتبه متوجه شدم که در لنگه به خربزه می‌گویند خیار. خندیدم و پرسیدم: پس به آن خیاری که با ماست و نمک می‌خورند و کوچک و سبز است، چه می‌گویید؟! عبدالله به سادگی گفت: ما به اونا می‌گیم بالنگ.

عبدالله رفت و من آن روز خربزه را به جای خیار خوردم و مدتی خندیدم. ولی از همان روز در فکر این برآمدم که پیرامون لغات، اصطلاحات، فرهنگ مردم لنگه و تاریخ آن تحقیق کنم. از این رهگذر، هم بر علم و اطلاع خود بیفزایم و هم اگر روزگاری مطالب جالبی گرد آمد، اقدام به چاپ آن‌ها کنم.

استاد حسین نوربخش به سال ۱۳۱۷ در شهر کاشان متولد شد. دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند و بعد از آن به استخدام بانک درآمد و در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ لیسانس علوم بانکی شد. سپس با طی دوره‌ی مدیریت شهرداری، چهار سال شهردار دماوند و ساوه شد و آن‌گاه با شرکت و موفقیت در دوره‌ی بخشداری، از سال ۱۳۵۱ به استخدام وزارت کشور درآمد. در سال ۱۳۵۱ به عنوان بخشدار مرکزی شهرستان بندرلنگه مشغول به کار شد. دیگر مسئولیت‌های ایشان هم عبارت بودند از: شهردار بندرلنگه، شهردار بندر کنگ، سرپرست فرمانداری شهرستان بندرلنگه، و اولین فرماندار شهرستان قشم.

از آثار استاد نوربخش تاکنون ۲۴ جلد کتاب به زیور طبع آرایش یافته‌اند که ۱۵ جلد آن‌ها منحصراً به تحقیقات خلیج‌فارس‌شناسی مربوط است.

۱. چگونگی صید مروارید در آب‌های خلیج‌فارس. ناشر: انجمن کتاب‌خانه‌های عمومی بندرعباس. سال ۱۳۵۷.
۲. بندرلنگه در ساحل خلیج‌فارس. ناشر: اداره‌ی کل فرهنگ و هنر استان هرمزگان، بندرعباس. ۱۳۵۷.
۳. بندرکنگ شهر دریانوردان و کشتی‌رانان. ناشر: مؤلف، بندرعباس. ۱۳۵۹؛ چاپ دوم. تهران. ۱۳۷۴.
۴. جزیره‌ی قشم و خلیج‌فارس. ناشر: امیرکبیر. تهران.

۵. خلیج‌فارس و جزایر ایرانی. ناشر: سنایی. تهران. ۱۳۶۳.
۶. پژوهشی پیرامون صید دریا و آبیان خلیج‌فارس. ناشر: امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۰.
۷. ایرانیان دریانورد پیشگام و نوآور در دریاها. ناشر: کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران. تهران. ۱۳۷۶.
۸. گنج دریا (آشپزی با آبیان). ناشر: کانون تبلیغاتی فام‌فن. تهران. ۱۳۸۰.

۹. فرهنگ دریایی خلیج‌فارس. ناشر: امیرکبیر. تهران. ۱۳۸۱.
۱۰. پیشنهاد اصلاح نام روستاهای جزیره‌ی قشم. ناشر: منطقه‌ی آزاد قشم. سال ۱۳۸۱.
۱۱. دریانوردی در ایران. ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۸۲.
۱۲. دختر دریا و جوان غواص. ناشر: سروش. تهران. ۱۳۸۲.
۱۳. بنادر ایران در خلیج‌فارس. ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران. ۱۳۸۲.

۱۴. جزایر ایرانی تنب و ابوموسی. زیرچاپ.
 ۱۵. دریانوردی ایرانیان. زیرچاپ.
- علاوه بر این تألیفات و آثار ارزنده، تعدادی از تحقیقات گران‌قدر شادروان نوربخش نیز آماده‌ی چاپ هستند. تحقیقات و پژوهش‌های گران‌قدر خلیج‌فارس‌شناسی و هرمزگان‌شناسی استاد نوربخش که برای روزگاران به یاد و یادگار گذاشته است گسترده و فراوان‌اند. ضمن سپاس و مباحثات، به تکریم و تحسین آن مرحوم زبان می‌گشاییم که:
- سال‌ها باید که تا یک کودکی از روی طبع
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن
سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
سال‌ها باید که تا صاحب دلی پیدا شود
بوسعید اندر خراسان یا اویس اندر قرن

* * *

شادروان استاد حسین نوربخش روز سه‌شنبه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۷ در سن ۷۰ سالگی در تهران، این جهان بی‌وفای خاکی را وداع گفت و به رحمت و واسع‌ی الهی پیوست و ما اهالی خلیج‌فارس را در غمی جانکاه فرو برد. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

* رییس دانشگاه آزاد اسلامی بستک

